

روایهایی که می آیند



نیمه شب در پاریس



تازه‌ترین اثر وودی آلن، فیلمساز پرکار آمریکایی که بعد از حدود شش دهه فعالیت در آمریکا چند سالی است که تقریبا هر سال یک فیلم در اروپا می‌سازد. آلن با گروهی از بازیگران آمریکایی و اروپایی از جمله کتی بیتس، لاون ویلسن، آدرین برودی، کارلا برون، ماریون کوتیار، ریچل مک آدامز و مایکل شین این فیلم کمدی رمانتیک انگلیسی زبان را ساخته که داستانش در پاریس می‌گذرد و درباره زوج جوانی است که برای کسب‌وکار به این شهر سفر کرده‌اند و این سفر دیدگاهشان را در مورد زندگی و این توهم که زندگی دیگران بهتر از آن است که خودشان دارند، تغییر می‌دهد. زمان نمایش فیلم ۸۸ دقیقه است و برای اکران عمومی در چه پی جی ۱۳ گرفته است.

بلادورث



آقای بلادورث (کریس کریستوفرسن) که ۴۰ سال است که همسر و فرزندانش را ترک کرده و در خیابان زندگی می‌کند، به آخر خط رسیده و به تنسی بازگشته است تا با خانواده آشتی کند. همسر سابق‌اش جولیا (فرانسس کراوی) به اختلال روانی دچار شده و سه پسرش وارن (وال کیلمر)، بوب (داویت یوگاک) و برادی (دبلیو ایل براون) سال‌ها خشم را در خود پرورده‌اند و تنها مایه تسکین او نوه‌اش فلمینگ (ریس تامپسن) است که می‌خواهد با ریون (هیلاری داف) ازدواج کند. این درام ۱۰۵ دقیقه‌ای از شین‌دکس تیلور کارگردانی کرده و تی‌بون بارت، برنده اسکار بهترین آواز برای «قلب دیوانه»، آوازهای آن را برای کریستوفرسن نوشته که خود از چهره‌های موسیقی کلتری است. فیلم دارای درجه‌بندی R برای وجود صحنه‌های خشن و مواد مخدر است.

خماری قسمت دوم



فیصل (بردلی کوپر)، استو (دال هلمز)، آلن (زاک گالیفیاناکیس) و داگ (جاستین بارتا) که در فیلم بارهزه قبلی تحت تأثیر مادهای روانگردان نمی‌دانستند چند ساعت پیش چه کارهای عجیبی انجام داده‌اند،این بار برای حضور در مراسم ازدواج استو به تایلند می‌روند و جشن کوچک پیش از مراسم برای آنها به کابوسی وحشتناک بدل می‌شود.فیلمنامه این فیلم را اسکات رامسترانگ، تاد فیلیپس و کریگ مارین نوشته‌اند و تاد فیلیپس این فیلم را نیز مانند قبلی تهیه و کارگردانی کرده است.نقش کوتاهی که مل گیبسن نیزدیرفت ویلیام نینس آن را بازی کرد اما نتوانست در برداشت مجدد آن حاضر شود. در نتیجه آن نقش را نیک کلسولتیس بر عهده گرفت. مایک تاینس نیز بار دیگر در فیلم حضور دارد.زمان نمایش این فیلم کمدی ۱۰۲ دقیقه و درجه‌بندی آن R است.

کونگ فو پاندا ۲



سینمای جهان

گفت‌وگویی هالیوود ریپورتر با وودی آلن درباره تازه ترین فیلمش

امیدوارم روح فیلم را درک کنند

گرگ کیلیدی



عکس تک‌چهره وودی آلن

وودی آلن از معدود کارگردان‌هایی است لذت راه رفتن بر فرش قرمز در افتتاحیه جشنواره کن را چند بار تجربه کرده است؛ اولین بار در سال ۲۰۰۲ زمانی که فیلم «پایان هالیوود» او گشایشگر این مراسم بود.این افتخار نصیبش شد، بار دیگر سه سال پیش بود که «ویکی کریستانتا پارسلونا» آغازگر جشنواره بود.
مدیران جشنواره معتبر کن در دوره شصت و چهارم نیز از وودی آلن دعوت کردند که با فیلم جدیدش جشنواره امسال را نیز کلید بزند. در جشنواره امسال از فیلم «نیمه شب در پاریس» وودی آلن با عنوان «یک نامه عاشقانه شگفت‌انگیز به پاریس» یاد شد. این گفت‌وگو در روزهای جشنواره انجام شده و در آن وودی آلن درباره علاقه‌اش به پاریس و تجربه ساختن «نیمه شب در پاریس» صحبت می‌کند.

جمع کرده، چگونه این عناصر را با لوکیشن موردنظر تان تطبیق دادید؟
من مطمئن بودم که می‌خواهم از «ریچل مک آدامز» استفاده کنم. می‌دانستم، او همیشه آن چیزی بود که من برای نقش او در این فیلم در نظر داشتم- کاراکتر اصلی در نسخه اولیه فیلمنامه شرقی‌تر بود.«جولیت تیلور» که بازیگردان من بود پیشنهاد داد «وون ویلسون» این نقش را ایفا کند. من همیشه یکی از طرفداران بازی او بودم، اما همیشه هم احساس می‌کردم شخصیت غربی او غالب است. این شد که فیلمنامه را بازنویسی کردم، تا شخص اول قصه را کاراکتری غربی نشان دهم. نسخه بازنویسی شده را برای اوون فرستادم و شانس با من بود که او برای بازی این نقش خود را راغب نشان داد. این دورا که انتخاب کردم، به فکر «ماربون کوتیار» افتادم. حدس من این است که با فکر کردن به فرانسه اولین شخصی که برای القای حس فیلم مناسب به نظر می‌رسد اوست؛ همانطور که درباره پارسلونا، «پنه لویه کروز» و «خاویر باردم» اولین گزینه‌های مناسب بودند. ماریون بازیگری نیست که فقط در فرانسه شناخته شده باشد، او بازیگری مطرح در سینمای جهان است. او مشغول کار دیگری نبود و مایل به بازی در این فیلم هم بود.

بازنویسی یک کاراکتر برای اینکه با بازیگر هماهنگ شود، برای‌تان غیرعادی نبود؟

که مجبور باشیم شش هفته زمان بگذاریم، اگر بتوانی خونسرد باشی و از شرایطی که داری لذت ببری، آن را با موفقیت انجام خواهی داد.» او با علاقه آن را پذیرفت. این‌طور شد که او به ما پیوست. به من می‌گفتند که با این انتخاب، مجبور می‌شوی یک میلیون برداشت بگیری، اما اصلا این‌طور نشد. او بسیار راحت و طبیعی کار می‌کرد. من حین کار با او به تعداد معمول برداشت، ضبط می‌کردم. همه پلان‌هایی که برای او نوشته بودم در فیلم هست و او به خوبی از پس انجام آن برآمده است. تجربه بسیار خوبی بود و کار با او برایم بسیار رضای‌کننده بود.

شما پیشتر هم در ساخت «همه می‌گویند دوست دارم» صحنه‌هایی را در پاریس کار کرده بودید. لوکیشن‌های این فیلم را چگونه انتخاب کردید، آسای کردید کاری که در آن فیلم انجام داده بودید را تکرار نکنید؟

من سعی داشتم دست کارگردان هنری این پروژه را در یافتن لوکیشن باز بگذارم. او را آزاد گذاشتم که هر آنچه می‌تواند از پاریس برای من پیدا کند. از چندجایی که پیشتر هم استفاده کرده بودم، مجددا استفاده کردم چرا که براب‌ر این چند جانتوانستم مقاومت کنم و در آنها فیلمبرداری انجام ندهم. سخت است که در پاریس فیلم بسازی و از رودخانه استفاده نکنی، رودخانه‌ای که درست از مرکز شهر می‌گذرد و بسیار هم زیباتر. درعین حال لوکیشن‌هایی هم در فیلم وجود دارد که زیاد شناخته شده نیستند.

انتظار می‌رود که تماشاگران فرانسوی از این فیلم استقبال کنند. نظر شما چیست؟

امیدوارم آن روحی را که در فیلم دیدم‌ام، درک و دریافت کنند. فرانسوی‌ها همیشه و از همان فیلم اولم من را حمایت کرده‌اند. حال که شانس با من یار بود، فیلمی در پاریس ساختم، امیدوارم توانسته باشم وفاداری و حمایت این مردم را به بهترین شکل پاسخ گفته باشم.

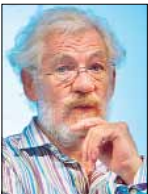
شخصیت‌هایی چون سالوادور دالی، اسکات فیتزجرالد، ارنست همینگوی و نویس بوئنول و بسیاری از رمان‌نویسان و نقاشان و فیلمسازانی که در دهه‌های ابتدای قرن بیستم در پاریس به‌سمر می‌پرند، ژیل در اثر اتفاقاتی که در یک نیمه شب در

پاریس برایش روی می‌دهد، راه زندگی‌اش را پیدا می‌کند و درمی‌یابد که باید یار و همراهی واقعی و دوست داشتنی پیدا کند. اربابا(ماریون کوتیار) نیز مثل ژیل در وضعیت موجودش بی‌قرار است؛ او می‌خواهد در عرصه هنر برای خودش کسی باشد. پس در یک فلاش‌بک همراه با فانتزی به همراه ژیل به جاهایی مثل تئاتر مولن روژ برده می‌شود و با هنرمندان آن آشنا می‌شود. این اتفاقات باعث می‌شود ژیل در دیدگاه شخصی‌اش نسبت به گذشته تجدید نظر کند. او که فکر می‌کرد در گذشته توانایی او وجود نداشت، درمی‌یابد که مرمان هر دورهای فکر می‌کردند درون قلبی عصری طلایی بوده است. فیلم در این صحنه‌ها تأکیدی دارد به یکی از جملات قصار وودی آلن، او سال‌ها پیش گفته بود: «هرگز چیزی بهتر نشده‌است.» وودی آلن با مفهوم «هوستالری» بازی می‌کند و برداشتن شیرین و تغذی از آن به دست می‌دهد و به خصوص نشان می‌دهد که گویی «هوستالری نسبت به گذشته» در همه آدمیان و در همه اعصار وجود داشته است. آنچنان که از اظهارنظر منتقدان و بازخوردهای نمایش فیلم در جشنواره کن برمی‌آید، «نیمه شب در پاریس» را باید جزو آثار موفق وودی آلن محسوب کنیم که احتمالا اکران جهانی خوبی هم خواهد داشت. فیلم احتمالا در اسکار نیز چیزهایی برای وودی آلن به ارمان خواهد آورد. آلن تا به حال ۲۱ بار نامزد اسکار شده و آخرین اسکاری که برده بهترین فیلمانه برای فیلم «امتیاز نهایی» در سال ۲۰۰۵ است. پنلوپه کروز هم در سال ۲۰۰۹ برای «ویکی کریستتا پارسلونا» اسکار بهترین نقش مکمل را برد.

از نظر بازیگری به نظر می‌رسد کاری که اوون ویلسون کرده جایی برای دیگر بازیگران نگذارد و به احتمال زیاد جایزه بهترین بازیگر کمدی گلدن گلوب آینده از آن ویلسون خواهد بود. فیلم در سایت IMDB با امتیاز ۷٫۷ از کسب کرده و در سایت متاکریتیک هم بیشتر نقدهای مثبت بر آن نوشته شده است. منتقدان وال استریت جورنال، هالیوود ریپورتر، نیویورک تایمز و مجله واریتی از کسانای بوده‌اند که از فیلم استقبال و هر کدام نکات مثبت و متفاوتی را در فیلم جدید وودی آلن پیدا کرده‌اند. باید منتظر ماند و دید فیلم در اکران جهانی چه گلی به وور سدی آلن خواهد زد.

تازه چه خبر دکتر جون؟

کهنه کاران و آدم‌خواران



به گزارش اسکرین دلی، فیلمی به نام «غریب باکسوم استرامپت» قرار است ساخته شود که درباره زامبی‌هاست و داستانش در شهر کوچکی کنار دریا در انگلستان اوایل قرن هجدهم می‌گذرد، بنظراین دو نفر از بازیگران تراز اول انگلستان، یعنی سسر یان مک کلن که برای بازی در نقش گاندولف «ارباب حلقه‌ها» و همچنین نقش مگنتو در مجموعه «مردان ایکس» شهرت دارد اما از شکسپیرین‌های قدیمی است که نقش هملت و میکبث و ریچارد سوم را هم بازی کرده است و خلم جودی دنچ بازیگر «پریس» و «پادشاهیایی بر یک رسوایی» که از ۱۵ سال پیش نقش رییس جیمزباند ملقب به «م» را بر عهده گرفته در فیلم بازی می‌کنند. جلیان اندرسن، بازیگر مجموعه «پرونده‌های مجهول» نیز در فیلم حضور دارد. «غریب باکسوم استرامپت» فیلمی کمدی است که متیو باتلر نوشته و کارگردانی می‌کند و از فیلم کوتاهی به نام «امبی‌های اگاد» که خود وی سال گذشته ساخته و یان مک کلن راوی آن بوده، اقتباس شده است. «غریب باکسوم استرامپت» در مرحله پیش تولید است، اواخر سال جاری میلادی در اسکاتلند فیلمبرداری و در سال ۲۰۱۲ اکران خواهد شد.

وین دیزل ماشین می‌شود



وین دیزل قراردادی با مترو گلدوین-مایر امضا کرده است تا در فیلمی به نام «ماشین» بازی کند. «ماشین» اولین فیلمی است که شرکت مترو گلدوین-مایر بعد از بازسازی رسماً تولید خواهد کرد. در سالیان اخیر این شرکت بیشتر به عنوان همکار و سرمایه‌گذار در پروژه‌های شرکت‌های دیگری مانند سونی و برادران وارنر فعالیت می‌کرد. «ماشین» یک اکشن کمدی است و وین دیزل در آن نقش یک روبات انسان نما را دارد که پنتاکون را به عنوان برترین سلاح خود طراحی کرده اما به دلیلی پروژه متوقف می‌شود و ۲۰ سال بعد، کودکی این ماشین را کشف می‌کند و به راه می‌اندازد. دولت متوجه این مساله می‌شود و دیزل باید به هر نحوشده از خانواده‌ای که میهمان‌اش شده است محافظت کند. برابرت بن گارانت فیلمنامه را نوشته و استودیو در حال حاضر به دنبال یک کارگردان می‌گردد. بد نیست شما هم شانس خود را امتحان کنید.

فراموشی نام کروز



آلک بالدوین در کمدی فوتبالی

